بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی ترس از جرم و رفتارهای غیرمدنی در میان زنان شهر تهران (با تأکید بر هویت جنسی و هویت مدنی)[102]

مریم قاضی‌نژاد،* فرشته شاکری**

چکیده

ترس از جرم و پیامدهای روانی و اجتماعی آن در میان زنان به نوعی نگرانی عام در سطح جوامع فعلی دنیا تبدیل و سبب شده تا صاحب‌نظران و محققان در حوزه‌های مختلف، در ایران و سایر کشورها، به ریشه‌یابی و تحلیل مسئله در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی بپردازند. تحقیقات نشان می‌دهد، با وجود اینکه زنان کمتر قربانی جرایم مختلف می‌گردند، ترس بیشتری را به‌لحاظ ذهنی تجربه می‌کنند و در حیات اجتماعی خود احساس ناامنی بیشتری در مقایسه با مردان دارند. نظر به واقعیت حضور اجتماعی زنان و اهمیت مقولهٔ تأمین امنیت آنان در وجوه عینی و ذهنی بررسی تجربی ترس از جرم و رفتارهای غیرمدنی به‌عنوان شاخص اصلی فقدان/ضعف امنیت اجتماعی ـ روانی و تهدید حقوق شهری و شهروندی زنان در عرصه‌های عمومی، ضرورت دارد و ارزیابی شرایط محیطی و عوامل خطرزای فرهنگی ـــ اجتماعی که حضور مطلوب زنان در اجتماع عمومی را دچار آسیب و اختلال می‌سازد حائز اهمیت است. مقالهٔ حاضر، که بر اساس یافته‌های پژوهشی کیفی دربارهٔ چیستی و چگونگی شکل‌گیری ترس از جرم و رفتارهای غیرمدنی در فضاهای عمومی در میان زنان شهر تهران تدوین شده است، منشأ اصلی مسئلهٔ هراس زنان از جرم و سوءرفتارهای مدنی را از منظری جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار داده است.

---

[102] این مقاله برگرفته از پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی ترس از جرم و رفتارهای غیرمدنی در فضاهای عمومی (مطالعه‌ای در میان زنان ساکن تهران)» (۱۳۸۹) است که به‌کوشش نویسندگان این مقاله در دانشگاه الزهراء به نگارش درآمده است.

* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه الزهراء maghazinejad@yahoo.com

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه الزهراء f_sh_20@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۰/۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۹۱/۴/۱۳

مسائل اجتماعی ایران، سال سوم، شمارهٔ ۲، زمستان ۱۳۹۱، صص ۱۸۱-۲۰۲

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.7.2]

این تحقیق با روش کیفی و ابزار مصاحبه عمیق صورت گرفته است. جامعهٔ آماری شامل زنان ۱۸ـ ۵۵ ساله ساکن تهران است که از میان آن‌ها نمونه‌ای در دسترس به حجم ٤٠ نفر انتخاب شدند.

نتایج مصاحبه‌های عمیق نشان می‌دهد که ترس زنان از جرم و رفتارهای غیرمدنی به‌ویژه ریشه در جنسیت اجتماعی و جریان‌های جامعه‌پذیری جنسیتی در بستر تاریخی ـ فرهنگی خاص جامعهٔ ما دارد که هویت جنسی زنان را در نگاه عموم برجسته و بر هویت انسانی و مدنی آنان مسلط ساخته است و از طریق نوعی تقلیل هویتی، موجب آسیب و آزاردیدگی عینی، نگرانی و هراس از حضور در فضاهای عمومی شده است.

کلیدواژه‌ها: ترس از جرم، رفتارهای غیرمدنی، جامعه‌پذیری جنسی، هویت جنسی، هویت مدنی، تقلیل هویتی.

بیان مسئله و اهمیت موضوع

مقولهٔ امنیت انسانی که در آن آحاد جامعه بشری حریم خویش را از هرگونه تعرض و تهدیدی رها و ایمن حس کنند، آرمانی دیرینه است که انسان‌ها همواره در انتظار نیل به آن بوده‌اند؛ از این‌رو، در تعاریف و شاخص‌های سازمان جهانی بهداشت، امنیت عنصر محوری در سلامت و کیفیت زندگی اعلام شده که ارتقای آن بر سلامت انسان و جامعه تأثیر مستقیم دارد (سازمان جهانی بهداشت، ۱۹۹۸: ۲۷۱).

از دیگر سو، این مفهوم با تمام حوزه‌های فعال زندگی فردی و اجتماعی سروکار دارد و به معنای تأمین نیاز و رفع مخاطرات واقعی یا احتمالی در حوزه‌های مذکور برای همهٔ گروه‌های جامعه است. چراکه با توجه به عوامل خطرزای موجود در عرصه‌های مختلف حیات، اعم از خصوصی و عمومی، خطرات و تهدیدات فردی و اجتماعی عینی، واکنش ذهنی احساس ناامنی را به دنبال دارد و این دو در ترکیب با یکدیگر و به صورت برآیندی، موجودیت و شیوهٔ زندگی آحاد جامعه و شهروندان نظام اجتماعی را به خطر می‌اندازند؛ بنابراین، شرط اساسی تحقق خواسته‌های فردی و تعهدات و اهداف اجتماعی، به‌ویژه در جوامع مدرن و امروزی، تأمین امنیت شهروندان است و از این‌رو، جامعه و دولت وظایف سنگینی در حمایت و تأمین حقوق اساسی و مدنی اعضای خود برعهده دارند و همین مسئله جایگاه و اهمیت مقولهٔ امنیت را در میان سایر نیازها و عناصر اجتماعی برجسته‌تر می‌سازد.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.7.2]

یکی از شاخص‌های مهم تهدید امنیت و احساس ناامنی در میان عموم ترس از جرم[۱۰۳] است. امروزه به‌ویژه در کلان شهرها ترس از جرم به نگرانی عمده‌ای برای شهروندان تبدیل شده و ساکنان شهرهای بزرگ در برخورد و مواجهه با جرایم واقعی یا خیالی پیش رو دچار نگرانی‌ها و ترس‌هایی هستند که بر سایر ابعاد ذهنی شهروندان و کیفیت زندگی آنان تأثیر منفی می‌گذارد. ترس از جرم تحت تأثیر عوامل مختلف قرار دارد و شدت و ضعف می‌یابد. جنسیت یکی از مهم‌ترین این عوامل در همه‌جا است که در ادبیات پژوهشی مرتبط با موضوع در غرب به اثبات رسیده است (استانکو، ۱۹۹۲؛ مارشال، ۱۹۹۰؛ برت و استپ، ۱۹۸۱؛ گودی، ۱۹۹۷؛ کپس و پلیزیر، ۲۰۰۱). در این باره به استناد نتایج برخی از آخرین تحقیقات انجام‌شده در ایران نیز میزان ترس و احساس ناامنی زنان در فضاهای عمومی شهرها در مقایسه با مردان اساساً بالاست (علیخواه و نجیبی، ۱۳۸٤؛ مرکز جوانان دانشگاه الزهراء، پیمایش وضعیت، ۱۳۸۵).

نکتهٔ حائز اهمیت در این خصوص اینکه ترس از جرم تنها منبع تهدیدات و ایجاد هراس در زنان در فضاهای عمومی کلان‌شهرها نیست، بلکه در کنار آن، دیگر انحرافات رفتاری یا به‌اصطلاح رفتارهای غیرمدنی[۱۰٤] نیز که به معنای فرهنگی کلمه شامل انواع بی‌نزاکتی‌های اجتماعی هستند، به نوعی حقوق شهروندی زنان را در جوامعی نظیر جامعهٔ ما تهدید می‌کنند و به نحوی گسترده‌تر از جرائم و انحرافات رسمی زنان را از دسترسی ایمن و آزاد به محیط و فضاهای اجتماعی وسیع‌تر یا دنیای بیرون از خانه محروم می‌کنند. این در حالی است که چنین سوءرفتارهایی به‌لحاظ قانونی نیز عمدتاً جرم محسوب نمی‌شوند، اما رواج آشکار آن در جوامعی نظیر جامعهٔ ایران با نقض حقوق مدنی و شهروندی زنان راحتیِ حضور و فعالیت عادی آنان را در فضاهای عمومی از بین می‌برد و بنابراین مسئله‌ای جدی و آسیب‌زا محسوب می‌شود که از منظرهای مختلف نیاز به بررسی دقیق دارد.

در واکاوی جامعه‌شناختی مسئله و جستجوی عوامل اجتماعی ـ فرهنگی مرتبط با ترس از جرم در میان زنان، بخصوص با این قضیه مواجه می‌شویم که پدیدهٔ مذکور اساساً مسئله‌ای اجتماعی و انعکاسی از موقعیت زنان در ساختارهای اجتماعی غالباً تبعیض‌آلود و برساخت‌های

[103] Fear of crime
[104] Uncivil behaviors

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.7.2]

مرتبط با آن است. در این زمینه، تمایز اساسی مطرح تفاوت بین جنس[۱۰۵] به‌عنوان یک واقعیت بیولوژیکی و جنسیت[۱۰۶] به‌عنوان یک برساخت اجتماعی[۱۰۷] است، که در اعمال روزانه و در کنش متقابل اجتماعی پایه‌ریزی می شود، ساختار می‌یابد و مرزهای آن دائماً مورد بحث قرار می‌گیرد (سیونجرس، ۲۰۱۰؛ وست و زیمرمن، ۱۹۸۷: ۱٤۰).[۱۰۸]

در آرای گافمن و گیدنز به مفهوم بی‌تفاوتی مدنی[۱۰۹] (۱۳۸۵: ۷٤) در روابط متقابل اجتماعی در جامعهٔ مدرن و فقدان یا ضعف چنین مفهوم و نگاهی به زنان در یک جامعهٔ ـ اغلب سنتی ـ برمی‌خوریم، که می‌تواند از منابع مهم تهدید امنیت آنان به حساب آید.

از نگاه ستان و فارال (۲۰۰۵)[۱۱۰] نیز تأثیر جنسیت می‌تواند مبتنی بر تفاوت جریان‌های اجتماعی‌شدن دو جنس باشد که در نتیجهٔ آن، زنان بیشتر مایل به گزارش و بیان ترس‌های خود هستند، در حالی‌که مردان یاد گرفته‌اند که ترس خود را از جرم کاهش دهند یا سرکوب کنند. افزون بر این، به نظر می‌رسد در فرهنگ‌های سنتی مردسالار، حفظ انحصار عرصهٔ عمومی برای حضور مردان مستلزم تأکید جریان‌های جامعه‌پذیری و انتقال فرهنگ بر منع، محدودسازی و ایجاد ترس عمیق در زنان برای حضور کمتر در عرصهٔ مذکور است که تحت لوای ایدهٔ حفاظت زنان در برابر خطرات مختلف در محیط بیرون از خانه توجیه می‌شود و با فعال‌سازی جریان‌های انسداد و طرد اجتماعی زنان موجب تبدیل قلمرو عمومی به منبع مهم مخاطره، آسیب و هراس عمومی زنان و دختران می‌گردد.

با توجه به واقعیات مذکور از یک‌سو و درک و دریافت‌های نظری از مسئله از دیگر سو، هدف مقالهٔ حاضر بررسی و ریشه‌یابی احساس ناامنی و ترس از جرم در تجربه و ذهنیت خود زنان و دختران است. به نظر می‌رسد در شرایط غلبهٔ روش‌های کمی در این عرصه، کمتر به نظر و ادراک خود زنان و همچنین علت‌های ترس از جرم و سوءرفتارهای اجتماعی در تجربه و ذهنیت خود آنان پرداخته شده باشد. بنابراین مسئلهٔ اصلی پژوهش حاضر شناخت ذهنیت و ادراک زنان از موضوع و اطلاع از عمق واقعیت در میان کسانی است که با این‌گونه ترس‌ها

[105] Sex
[106] Gender
[107] Social construct
[108] Siongers, West and Zimmerman
[109] Civil indifference
[110] Sutton and Farral

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.7.2]

مواجه بوده‌اند؛ اینکه خود زنان چه برداشتی از مفهوم ترس دارند، از چه چیزهایی در چه مکان‌هایی می‌ترسند و چرا؟

در چارچوب سؤال اصلی مقالهٔ حاضر به دنبال پاسخ به سؤالات جزئی زیر است:

۱. زنان مورد مطالعه ترس از جرم و رفتارهای غیرمدنی در فضاهای عمومی را چگونه معنا، درک و تعریف می‌کنند؟

۲. عوامل مرتبط با ترس از جرم و رفتارهای غیرمدنی از نگاه زنان مورد مطالعه کدام‌اند؟

۳. منشأ و ماهیت ترس از جرم و سوءرفتارهای اجتماعی چیست و چه نسبتی با هویت و موجودیت زنان دارد؟

پیشینهٔ تحقیق و ملاحظات نظری

الف) تحقیقات تجربی

پژوهش‌های بسیاری در کشورهای مختلف و از جمله ایران صورت گرفته است که به بررسی مسئلهٔ ترس از جرم پرداخته و از ابعاد مختلف، به‌ویژه جنسیت قربانی، آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. در اینجا به مواردی از مهم‌ترین تحقیقات موجود اشاره می‌شود.

الیزابت استانکو[111] (۱۹۹۲) در پژوهشی با عنوان "جنسیت، امنیت شخصی و ترس از جرم" نشان داده که به‌طور ثابتی ترس از جرم در زنان سه‌برابر مردان بوده است. در یافته‌های این پژوهش، عامل بزه‌دیدگی در گذشته و همچنین جامعه‌پذیری زنان در خصوص ترس از دنیای بیرون، نقش تعیین‌کننده‌ای در احساس ترس آنان از ارتباط با دنیای بیرون داشته است.

کریس مارشال (۱۹۹۰) نیز در پژوهشی با عنوان "جرم در منطقهٔ اوماهای آمریکا: دریافت‌ها، اقدامات حفاظتی و قربانی‌شدن" ملاحظه کرده که جنسیت تأثیر واقعی بر ترس از جرم گزارش‌شده دارد. ساکنان زن ۱/۵ برابر بیشتر از مردان نگرانی خود را از جرم بیان کرده‌اند؛ آنان دوبرابر بیشتر از مردان حمل سلاح یا ابزار دیگر را برای دفاع از خود در برابر جرم گزارش کرده‌اند.

[111] Stanko

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.7.2]

برت و استپ (۱۹۸۱) جزو اولین محققانی بوده‌اند که بیان کرده‌اند دورهٔ جوانی دوره‌ای بحرانی در توسعهٔ هویت جنسیتی است؛ زیرا طی آن "آسیب‌پذیری جنسی"[112] توسط دختران یاد گرفته می‌شود. آنان نمونه‌ای آماری به تعداد ۲۰۱ نفر را در زمینهٔ ترس‌های اخیر و نیز بازگشت مجدد به ترس‌های دوران کودکی‌شان مورد بررسی قرار داده‌اند و با مقایسهٔ این دو دوران دریافتند که تفاوت‌های بارزی در میزان در حال افزایش ترس‌های جوانان و نگرانی آن‌ها دربارهٔ تجاوز جنسی در پاسخگویان زن به نسبت مردان وجود داشته است.

گودی (۱۹۹٤؛ ۱۹۹۷) نیز یکی از اولین کسانی است که از نظر تجربی و عملی تأثیر بالقوهٔ فرایند جامعه‌پذیری متفاوت را بر میزان‌های گزارش‌شده از ترس در نمونه‌ای از پسران و دختران نوجوان ۱۱ تا ۱٦ ساله نشان داد. در یافته‌های وی آمده است که تأثیر جنسیت اثری طبیعی نیست، بلکه نتیجهٔ فرایند جامعه‌پذیری متفاوتی است که دختران را به "زنان نگران و وحشت‌زده"[113] و در مقابل، پسران را به "مردان بدون ترس"[114] تبدیل می‌کند.

تحقیق دیگری به‌کوشش دیدریک کپس و استفان پلیزیر[115] در سال ۲۰۰۱ با عنوان "جنسیتی عمل‌کردن"[116] در ترس از جرم: تأثیر هویت جنسیتی بر میزان‌های گزارش‌شده از ترس از جرم در افراد مسن و جوان" در دانشگاه آکسفورد انتشار یافته است. جامعهٔ آماری این پژوهش شامل ۳۲٤۸ نفر از افراد بین ۱٤ تا ۳۰ سال بوده و در بخش یافته‌های تحقیق ادعا می‌شود که دخترانی که نگرش زنانه‌ای داشته‌اند، میزان بالا و پسران و دخترانی که هویت مردانه‌ای از خود نشان داده‌اند، میزان پایینی از ترس از جرم را گزارش کرده‌اند.

در ایران نیز پژوهشی کیفی در این زمینه به‌همت هما زنجانی‌زاده در سال ۱۳۸۰ با عنوان "زنان و امنیت شهری" در شهر مشهد که با ۷۲۰ نفر از زنان بالای ۱۵ سال این شهر مصاحبه کرده است نشان می‌دهد زنان مناطق پایین شهر نسبت به مناطق بالا از احساس امنیت کمتری برخوردارند و زنانی که به‌طور منظم روزانه به سطح شهر می‌آیند، در مقایسه با زنان دیگر از احساس امنیت بالاتری برخوردارند و مهم‌ترین عامل ترس زنان در فضاهای عمومی شهر نیز محل سکونت آنان عنوان شده است.

---

[112] Gender-Vulnerability
[113] Fearful women
[114] Fearless men
[115] Cops and Pleysier
[116] Doing Gender

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.7.2]

زهرا میرحسینی در سال ۱۳۸۷ در پایان‌نامه‌ای با عنوان "بررسی جامعه‌شناختی علل و عوامل مؤثر بر ترس از جرم در زنان شهر تهران" در دانشگاه تهران که با استفاده از روش کیفی و ابزار مطالعهٔ موردی و مصاحبهٔ عمیق صورت گرفته (جامعهٔ آماری شامل زنان ۱۸-۵۵ ساله و حجم نمونه ۵۰ نفر بوده است) نشان می‌دهد که زنان از جرایم و آزارهای جنسی بیش از سایر جرائم می‌ترسند. از طرف دیگر، پارامترهای طرد اجتماعی همچون قومیت، معلولیت، بیماری و مادری (بارداری)، عدم ادغام زنان در برنامه‌ریزی‌های شهری و عدم توجه به نیازهای آن‌ها در جامعه، در کنار ترس‌های فضایی و محیطی، از عوامل اجتماعی ـ فرهنگی تأثیرگذار بر ترس زنان از جرم بوده‌اند.

در مجموع، تحقیقات مذکور گواه میزان‌های بالاتر ترس از جرم در میان زنان و مؤید تفاوت‌های جنسی قابل تأمل در این زمینه است. با این حال، خلأ مهم ادبیات جهانی و داخلی مسئله، شناخت اندک دربارهٔ تفاوت‌های خاص مسئله و علل آن در میان گروه‌های مختلف زنان در بسترهای اجتماعی ـ فرهنگی معین، به‌ویژه عدم طرح و توجه به مقولهٔ سوءرفتارهای مدنی و مزاحمت‌های خیابانی در طیف گستردهٔ آن در جامعهٔ ماست که با تمرکز مطالعات بر مقولهٔ عام "جرم" و تهدیدهای مجرمانه از قلم افتاده است، در حالی‌که در مشاهدات و تجارب روزمره شاهد آنیم که این سوءرفتارهای رایج و تهدیدات به‌ظاهر کم‌اهمیت یا بی‌اهمیت، به مراتب بیشتر از رفتارهای مجرمانه حریم زنان در جامعهٔ ما را ناامن ساخته و تجربه‌ای دردناک و آسیب‌زا برای بسیاری از آنان محسوب می‌شود که به‌واقع جای تحقیق و بررسی‌های علمی لازم درباب آن خالی است.

ب) مروری بر رویکردهای نظری به موضوع

بنا به ماهیت کیفی و اکتشافی این پژوهش، سعی ما بر آن بوده است که در اصل بدون مبنا قراردادن یا تحمیل چارچوب نظری خاص، به واکاوی مسئله و علل واقعی آن در اذهان و عرصهٔ زندگی زنان مورد مطالعه بپردازیم. با این حال، در ادبیات مرتبط با موضوع، رویکردها و نظریات اجتماعی مختلفی وجود دارند که مروری کلی بر آن‌ها می‌تواند در کندوکاو دقیق‌تر مسئلهٔ ترس زنان از جرم و سوءرفتارهای اجتماعی و نیز ایجاد نظم فکری و حساسیت ذهنی لازم در محققان حائز اهمیت باشد.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.7.2]

نظریهٔ جامعه‌پذیری جنسیتی

جامعه‌پذیری جنسیتی فرایندی است که طی آن، مردان و زنان با ارزش‌ها و هنجارهای مسلط جامعه در زمینهٔ رفتارهای مقبول برای هر جنس آشنا می‌شوند و از طریق نظام نظارت اجتماعی به هم‌نوایی با این ارزش‌ها و هنجارها وادار و ترغیب می‌گردند. در این وضعیت، جنسیت یعنی مرد یا زن بودن دربردارندهٔ مجموعه‌ای از رفتارهایی است که در درون هر جامعه برای مردان و زنان شایسته و مناسب محسوب می‌شوند (استنلی، ۲۰۰۲: ۲۷۳).[۱۱۷] گیدنز نیز بر این عقیده است که جنسیت بیولوژیک چیزی است که از هنگام تولد در زنان و مردان وجود دارد؛ ولی زنانگی و مردانگی یا جنسیت اجتماعی، از طریق الگوپذیری و آموزش اجتماعی به‌دست می‌آید. بنابراین، تفاوت‌های جنسیتی تعین زیست‌شناختی ندارند، بلکه به صورت فرهنگی خلق می‌شوند (گیدنز، ۱۳۸٦: ۱۵۷).

دیدگاه‌های فمنیستی در این زمینه حاوی دلالت‌های روشن‌تری است؛ صاحب‌نظران این رهیافت بر این باورند که به‌جای تفسیر شکاف جنسیتی به‌عنوان یک پدیدهٔ طبیعی یا زیستی دخیل در مسئلهٔ ترس، واقعیت بر این امر استوار است که در جریان جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی، پسرها به‌عنوان "مردان بدون ترس"[۱۱۸] و دختران به‌عنوان "زنان هراس‌زده"[۱۱۹] جامعه‌پذیر می‌شوند (آلوی، ۲۰۰۱؛ دی، ۲۰۰۱؛ گودی، ۱۹۹٤). به عبارت دیگر، در این رویکرد، تمایز به وجود آمده میان جنس و هویت‌های جنسیتی، برساخت‌ها و مفاهیم اجتماعی‌ای دیده شده‌اند که با عنصر "بدون ترس" به‌عنوان بخشی از هویت مردانه و"ترسیده و هراس‌زده" به‌عنوان عنصری اساسی و مهم از هویت زنانه هم‌معنی و متناظرند (دی، ۲۰۰۱).

بر این اساس، فرض اصلی رویکرد جامعه‌پذیری جنسیتی این است که احساس ترس و خطر زنان در عرصه‌های اجتماعی در محیط‌های خاص جامعه‌پذیری و زندگی اجتماعی آنان ریشه دارد که استانداردهای دوگانه و گفتمان‌های تربیتی مردانه ـ زنانه و نیز نظام‌های حفاظت و عملکردهای کنترلی و انضباطی ویژهٔ حاکم بر آن‌ها معانی هستی‌شناختی (هویتی ـ شخصیتی)، شیوهٔ تفکر و نیز الگوهای کنشی و تعاملی خاصی را در ذهنیت مشترک دو جنس وارد و برجسته می‌سازد. طبق چنین آموزه‌ها و استانداردهایی، فرآیندهای محدودیت‌پذیری،

[117] Stanley & Wise
[118] Fearless men
[119] Fearful women

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.7.2]

نظارت اجتماعی و حتی شخصی بر رفتار و تعامل، پذیرش ناتوانی و آسیب‌پذیری بیشتر در زنان نسبت به مردان و لزوم پرهیز از حضور اجتماعی روزمره در زمان‌ها و مکان‌های خاص، از سازوکارهای معمول مؤثر در افزایش احساس ناامنی در میان زنان و دختران مذکور است که صاحب‌نظران رویکرد جامعه‌پذیری جنسیتی در تحلیل مسئلهٔ ترس از جرم بر آن تأکید می‌ورزند.

مفهوم و نظریهٔ هویت[۱۲۰]

مفهوم هویت در جامعه‌شناسی مفهومی چندبعدی است. هویت به درک و تلقی مردم از این که چه کسی هستند و چه چیزی برایشان معنادار است مربوط می‌شود. این درک و تلقی‌ها در پیوند با خصوصیات معینی شکل می‌گیرد که بر سایر منابع معنایی اولویت دارند. برخی از منابع اصلی هویت از نظر گیدنز عبارت‌اند از جنسیت، ملیت یا قومیت و طبقهٔ اجتماعی. جامعه‌شناسان اغلب از دو نوع هویت اجتماعی[۱۲۱] و شخصی[۱۲۲] سخن می‌گویند. هویت اجتماعی به معنی ویژگی‌هایی است که از طرف دیگران به فرد نسبت داده می‌شود و بعد جمعی دارند. اما هویت شخصی به معنای فرآیند رشد و تکوین شخصی است که از طریق آن معنای یگانه و منحصربه‌فردی از خویشتن خود و مناسباتمان با جهان پیرامون خود خلق می‌کنیم (گیدنز، ۱۳۸٦: ٤٥ و ٤٦).

علاوه بر این، می‌توان هویت را به انواع دیگری تقسیم کرد که در اینجا بنا به ضرورت کاربرد آن در موضوع پژوهش به دو نوع هویت مدنی و جنسی اشاره می‌شود که نه تنها پیوند مشترکی با هم ندارند، بلکه در بسیاری از موارد در تقابل با هم قرار می‌گیرند. این تضاد و تقابل، به‌ویژه به صورت آشکار خود را در مفهوم و عرصهٔ جامعهٔ مدنی نشان می‌دهد.

در همین زمینه محمدی (۱۳۷۸) در کتاب خود با عنوان *جامعهٔ مدنی ایران* به تحلیلی جامع از مفاهیم هویت جنسی و هویت مدنی (که اساساً مقوله‌ای غیرجنسی، غیرنژادی و انسانی است) پرداخته که در بحث حاضر قابل توجه است. به تعبیر وی، مفهوم هویت مدنی به "انسان

[120] Identity
[121] Social identity
[122] Self identity

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.7.2]

بما هو انسان" تعلق می‌گیرد و از این جهت، میان زن و مرد هیچ تفاوتی قائل نیست. اما در جامعهٔ مدنی شهروندان از حیث حقوق شهروندی (که فرصت‌ها را نیز شامل می‌شود) با یکدیگر برابرند. هویت مدنی انسان مدنی را در جامعه فراتر از هویت جنسی‌اش می‌نشاند و هویت جنسی را به منزلگاه اصلی آن در خانواده و جامعه، یعنی در سطح روابط میان فردی مبتنی بر تمایز جنسی، می‌راند. در این شرایط، زنانگی در حیطهٔ اجتماع تنها به یک ظرفیت زیستی، بدون تبدیل‌شدن به ارزش فرهنگی یا بازتاب یافتن در آن، تبدیل می‌شود و نه عاملی برای تفکیک انسان‌ها و نقش‌هایشان از یکدیگر (همان: ٦٠).

نظریهٔ بی‌تفاوتی مدنی گیدنز

گیدنز اعتقاد دارد که جامعهٔ مدرن، با وجود تمام مخاطرات و خطرهای احتمالی موجود در آن، دارای قراردادهایی اجتماعی است که در حوزهٔ روابط افراد جامعه با یکدیگر اعمال و باعث حفظ حریم شخصی و اجتماعی افراد می‌شود و به نوعی اعتماد متقابل میان انسان‌ها را شکل می‌دهد. گیدنز در این‌باره از اصطلاح بی‌تفاوتی مدنی[۱۲۳] نام می‌برد.

در تعریف او بی‌تفاوتی مدنی به‌منزلهٔ نوعی قرارداد ضمنی برای به رسمیت شناختن و حمایت متقابل است که بین اعضای مجامع عمومی در زندگی اجتماعی مدرن منعقد می‌گردد: شخصی که در خیابان به دیگری برمی‌خورد، با نگاه کنترل‌شدهٔ خود نشان می‌دهد که آن دیگری شایستهٔ احترام است و از جانب وی تهدیدی متوجه او نیست. طرف مقابل هم عیناً به همین شیوه عمل می‌کند (بی‌توجهی مدنی). در حالی‌که در بافت کلی بسیاری از جوامع سنتی که مرزهای بین "آشنایان" و "غریبه‌ها" کاملاً مشخص و متمایز است، آن‌ها یا به‌طور کلی از نگاه دیگران می‌گریزند، یا چنان به آنان خیره می‌شوند که گویی دشمن خود را تهدید می‌کنند (گیدنز، ۱۳۸۵: ٧٤).

در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت اجماع صاحب‌نظران و رویکردهای اجتماعی یادشده بر این است که اساساً شکل‌گیری هویت‌ها و معناها محصول جریان‌های دیرپای جامعه‌پذیری برمبنای تفکیک‌ها و تمایزات جنسیتی از یک‌سو و نقض اصول و حقوق شهروندی عام برمبنای هویت انسانی فراجنس، نژاد و... از سوی دیگر است. بر این اساس، احساس ناامنی و

[123] Civil indifference

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.7.2]

ترس امروز زنـان از جـرم و رفتارهـای غیرمـدنی، در واقـع از نقطـهٔ زمـانی خاصـی در گذشـته زندگی آنان شروع می‌شود که در آن، عاملان مربوط، اطلاعات، معانی و کـدهایی نظیـر "مـرد بدون ترس"، "زن ترسیده، هراس‌زده"، "زن محدود"، "مرد آزاد"، "زن آسیب‌پذیر"، "مرد ایمن"، "زن به‌عنوان شیء جنسی"، "مرد به‌عنـوان انـسان" و "زن نـاتوان" و"مـرد قدرتمنـد" را در جریـان آموزه‌های اجتماعی ـ فرهنگی به زنـان و دختـران یـاد و انتقـال مـی‌دهنـد و بـه دلیـل جـذب و درونی‌سازی چنین معـانی و داده‌هـایی زنـان در مراحـل بعـدی زنـدگی آسـیب‌پـذیر و منفعـل می‌شوند و هویت خاصی که مبتنی بر جنسیت زنانه و معانی خاص است در آنان شکل می‌گیرد و تثبیت می‌شود. در حالی‌که در مورد پـسران و مـردان محتـوای آمـوزه‌هـا بـا زنـان و دختـران متفاوت است و معیارهای مبنای کـنش و تعامـل اجتمـاعی آنـان نیـز عکـس چنـین معیارهـایی خواهد بود. در نتیجه، تعاملات اجتماعی خاص میان دو جـنس بـه شـیوه‌هـای مختلـف آسـیب می‌بیند و فضایی ناامن برای زنان رقم می‌خورد.

روش تحقیق

این پژوهش با روش کیفی صورت گرفته و جامعهٔ هدف زنان ۱۸-۵۵ سالهٔ ساکن در شهر تهران هستند. نمونه‌گیری تحقیق از نوع نمونه‌گیری در دسترس و تنها بر اساس ویژگی اصلی یعنی جنسیت (زن بودن) افراد بوده است، چرا که در مطالعهٔ اولیه و مقدماتی این تحقیق که با ۱۲ نفر از زنان مورد مصاحبه صورت گرفت، معلوم شد که خطرپذیری زنان در این زمینه، به دلیل جنسیت خاص (زن بودن) آنان است و نه سایر ویژگی‌های آنان. بنابراین در این تحقیق (مقالهٔ حاضر) ضمن توصیف زنان مورد مطالعه از نظر خصوصیات ظاهری، پایگاه اجتماعی و دیگر مختصات فردی و اجتماعی، اساساً جنسیت و هویت زنانهٔ آنان مورد توجه تحلیلی محقق بوده است.

حجم نمونهٔ موردنظر تا حد اشباع نظری، از لحاظ موضوع مورد بررسی، پیش رفته که در فرآیندی طبیعی و پس از انجام مصاحبه با تعداد کافی (٤٠ نفر) از زنان و دختران واقع در محدودهٔ سنی موردنظر و کسب اطلاعات در محورهای اصلی پژوهش حاصل شده است. همچنین سعی شده تا مناطق شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکزی تهران حتی‌المقدور زیر

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.7.2]

پوشش مصاحبه قرار گیرد تا تفاوت‌های احتمالی از دید محقق پنهان نماند. با این حال، از بعضی مناطق مانند شمال تهران به دلیل در دسترس بودن و امکان توقف و انجام مصاحبه‌های طولانی و همکاری بیشتر افراد نمونه‌های بیشتری مورد مصاحبه قرار گرفتند.

مصاحبه‌ها در محدودهٔ زمانی اردیبهشت تا تیرماه ۱۳۸۹ انجام گرفته و چگونگی انتخاب افراد بر اساس آشنایی نسبی محقق با آنان و محل انجام مصاحبه منزل یا محل کار آنان بوده است. در این تحقیق از دو تکنیک مصاحبهٔ عمیق و تحلیل محتوای کیفی برای درک و دریافت تجربهٔ واقعی زنان درباب مسئلهٔ تحقیق و تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده استفاده شده است.

تعاریف مفاهیم اصلی

بنابر منطق و ماهیت تحلیل محتوای کیفی، در مطالعهٔ حاضر نیز مفاهیم و مقولات تحقیق از درون داده‌ها و معانی نهفته در آن‌ها به دست آمده است. بنابراین در این بخش صرفاً مفاهیم کلی مطرح در عنوان مقاله تعریف نظری شده و مابقی مفاهیم و مقولات در بخش یافته‌ها ارائه گردیده است.

ترس از جرم:[۱۲۴] در تعریف ترس معمولاً بیان می‌شود که ترس هیجانی پیچیده و چیزی فراتر از پاسخی خودکار به خطر است. وقتی از چیزی می‌ترسیم، این امر اغلب نتیجهٔ تعاملات پیچیده بین ما و عقایدمان است. از این رو ترس از جرم می‌تواند بیانگر پنداشت ما از خطر، ترس از قربانی جرایم شدن، توجه به جرم به‌عنوان مسئله‌ای مربوط به سیاست‌گذاری‌های عمومی و حتی نگرانی از زندگی در کل باشد (علیخواه و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۱۲).

همچنین ترس را می‌توان انعکاس و بازتابی از برآورد آماری ساکنان شهری از احتمال قربانی‌شدن بر اساس تجربهٔ قبلی آنان از جرم، توانایی فرارکردن یا باقی‌ماندن به‌عنوان حمله‌کننده، وجود پتانسیل برای کاهش جرم در محله‌ها، واکنش‌های احساسی و عاطفی به تولید استرس (از نظر روان‌شناختی) به‌وسیلهٔ ارزیابی و برآورد از خطر تهدید دانست (بیومر، ۱۹۷۹).[۱۲۵]

[124] Fear of crime
[125] Baumer

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.7.2]

بنابراین، ترس از جرم حسی است که در ما منتشر می‌شود و ناشی از ترسی است که از آسیب‌دیدن دربرابر خشونتی جنایی داریم که در ارتباط با شرایطی همچون بیرون از منزل بودن، یا تنها قرارگرفتن در یک منطقهٔ شهری و به طور بالقوه آسیب‌پذیر و بی‌دفاع بودن در مقابل صدمهٔ جسمی تشدید می‌شود.

رفتارهای غیرمدنی:[۱۲۶] منظور از رفتارهای غیرمدنی در اینجا انواع بی‌نزاکتی‌های اجتماعی شامل تعرض، مزاحمت، ایذا و آزار، توهین و دیگر سوءرفتارهای فیزیکی و کلامی است که در عرصهٔ اجتماع و مناسبات اجتماعی و در مکان‌ها و فضاهای عمومی شهری در مورد زنان صورت می‌گیرد و عمدتاً ناظر به نقض هنجارهای اجتماعی مرسوم یا بعضاً قانونی است (در قانون مدنی ایران مادهٔ ٦١٩ صراحتاً به موارد مزاحمت، تعرض و توهین اشاره شده که برای فاعل و مرتکبان این اعمال مجازات شلاق و حبس تعیین شده است).

به‌طور کلی در این پژوهش رفتارهای غیرمدنی شامل طیف وسیعی از رفتارهایی همچون متلک‌گفتن، زل‌زدن، تعقیب و دنبال‌کردن، لمس‌کردن بدن، بوق‌زدن ماشین‌ها در خیابان هنگام تردد عابران زن، انجام حرکات و اعمال جنسی و منافی عفت عمومی و... است.

داده‌ها و یافته‌های تحقیق

الف) سیمای مصاحبه‌شوندگان

بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر، جوان‌ترین زن مورد مصاحبه ۱۸ سال و مسن‌ترین آن‌ها ۵۵ سال دارد و بیشترین فراوانی سنی (نما) نیز مربوط به افراد ۲۸ساله است. در میان مصاحبه‌شوندگان گروه سنی ۲۵-۳۰ بیشترین فراوانی (٤٠ درصد) را دارد و میانگین سنی افراد نیز ۳۱/۵ سال بوده است. در نمونهٔ مورد بررسی تمام گروه‌های تحصیلی از جمله زنان دیپلمه ۳۲/۵ درصد، زنان با تحصیلات لیسانس ۳۰ درصد، زنان کم‌سواد (زیردیپلم) و دارای تحصیلات عالیه (فوق لیسانس و بالاتر) (هرکدام ۱۵درصد) وجود دارند.

همچنین در این نمونه زنان شاغل ۵۷/۵ درصد و غیرشاغل ٤٢/٥ درصد بوده‌اند که شاغلان شامل کارمند بخش دولتی، کارمند بخش خصوصی، مشاغل آزاد (خیاطی، آرایشگری،

[126] Uncivil behaviours

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.7.2]

فروشنده مغازه) و افراد غیرشاغل شامل دانش‌آموزان، دانشجویان و زنان خانه‌دار بوده‌اند. بیشترین فراوانی زنان شاغل بخش دولتی ۱۳ نفر (۳۲/۵ درصد) و سهم کارمندان بخش خصوصی نیز ۲ نفر (۵ درصد) بوده که کمترین فراوانی را داشته‌اند.

زنان متأهل دارای بیشترین فراوانی (نیمی از پاسخگویان) بوده‌اند، افراد مجرد ۳۷/۵ درصد، زنان مطلقه ۷/۵ درصد و زنانی که شوهران آنان فوت شده‌اند با کمترین فراوانی (۵ درصد) در این نمونه وجود دارند. همچنین، مصاحبه‌شوندگان شامل دو گروه چادری (۳۵ درصد) و غیرچادری (٦٥ درصد) بوده‌اند.

ب) یافته‌های اصلی پژوهش و تحلیل آن‌ها

در این بخش شیوهٔ کار بدین صورت بوده که ابتدا مضامین تمامی عبارات و اشارات زنان مورد مطالعه که به‌نوعی مرتبط با تجربهٔ زیستهٔ زنان درخصوص موضوع مورد مطالعه، یعنی معنا و ادراک ترس در فضاهای عمومی و علل و موجبات آن بوده است، از متن مصاحبه‌ها استخراج و بر اساس مفاهیم مورد اشاره و مندرج در آن‌ها دسته‌بندی کردیم، سپس این مفاهیم به صورت مفاهیم انتزاعی‌تر درآمده و نهایتاً مقولاتی کلی از آن‌ها ساخته شده‌اند. در ادامه، یافته‌های پژوهش و نیز شواهد مؤید آن‌ها در محورهای چندگانهٔ زیر تنظیم و ارائه شده‌اند:

ب ۱) معنا و ادراک ترس از جرم و رفتارهای غیرمدنی

آنچه شناخت آن در آغاز تحقیق حاضر و در مصاحبه‌های عمیق به عمل بسیار مهم بوده، معنای ترس از جرم و رفتارهای غیرمدنی و چگونگی ادراک آن از سوی زنان است. در این خصوص مریم ۲۵ ساله، متأهل، لیسانس، شاغل، مانتویی و ساکن انقلاب می‌گوید: «ترس یک نوع واکنش است در زنان برای وقتی که خطری را احساس می‌کنند».

مهشید ۲۷ ساله، لیسانس، شاغل، مانتویی و ساکن چهارراه ولی‌عصر می‌گوید: «ترس یک نوع نگرانی زیاد است برای اینکه آبروی زنان حفظ شود و کمتر در معرض اتهام قرار بگیرند».

نازنین ۱۷ ساله، دیپلمه (در حال آماده‌شدن برای کنکور)، چادری و ساکن شیخ بهایی می‌گوید: «ترس یک حس بدی است نسبت به این‌همه خطری که در جامعه برای زن‌ها وجود دارد».

بر اساس نمونه‌هایی که به آن‌ها اشاره شد، می‌توان گفت که در میان زنان مورد مطالعه، ترس در یک پیوستار معنایی، از حالت معنایی شدید، گسترده و مشخص تا خفیف و بدون

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.7.2]

شکل و معنای خاص وجود دارد. در میانهٔ این پیوستار نیز ترس به‌معنای حس اضطراب، دلهره و نگرانی‌هایی است که زنان از احتمال وقوع جرم و مخاطره به آن دچار می‌شوند، هرچند چنین حوادثی لزوماً برای آن‌ها اتفاق نیفتاده یا نخواهد افتاد.

ب ۲) میزان و گستردگی ترس از جرم

با توجه به عمومیت و میزان بالای ترس از جرم در میان زنان، که در بخش تحقیقات پیشین نیز به آن اشاره شد، ضروری به نظر می‌رسید تا دیدگاه‌های زنان مورد مطالعه را دربارهٔ میزان و گستردگی ترس آنان در فضاهای عمومی جویا شویم. در این زمینه زهرا ۱۸ ساله، دیپلمه (در حال آماده‌شدن برای کنکور)، مانتویی و ساکن الهیه می‌گوید: «صد در صد خانم‌ها می‌ترسند، مگر می‌شود با این‌همه خطراتی که برای زنان در جامعه وجود دارد، نترسید».

سارا ۴۲ ساله، لیسانس، شاغل، مانتویی و ساکن سیدخندان می‌گوید: «به نظر من همهٔ خانم‌ها به نوعی می‌ترسند، بعضی‌ها بیشتر و بعضی‌ها کمتر».

سیمین ۴۰ ساله، دیپلمه، شاغل، چادری و ساکن فرمانیه می‌گوید: «بیشتر زنان خیلی نگران امنیت خود هستند، چون خطر در جامعه برای آن‌ها بیشتر (از مردان) است».

با توجه به موارد بالا که در اینجا تنها به تعدادی از آن‌ها اشاره شده، می‌توان با اطمینان کامل گفت که همهٔ زنان مصاحبه‌شونده در این تحقیق اعتقاد دارند که زنان ـ شامل خود آنان، نزدیکانشان و سایر زنان ـ ترس زیادی را در فضاهای عمومی تجربه کرده و می‌کنند. این اظهارات به‌روشنی بازتاب عقیدهٔ آحاد زنان در زمینهٔ وجود ترس از فضاهای عمومی شهری و عمومیت آن در میان آنان است. در این زمینه، زنان مورد مطالعه به بیان دلایل و عوامل ایجادکنندهٔ ترس فراگیر از حضور در فضای بیرون از خانه پرداخته‌اند که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

ب ۳) علل و موجبات ترس از جرم و رفتارهای غیرمدنی

در سبب‌شناسی ترس زنان علل و موجبات شناسایی‌شده از طیفی وسیع و متنوع برخوردار است. اما در اینجا صرفاً به آن دسته از عواملی پرداخته شده که در جهت عنوان و سؤالات مطرح‌شده در مقاله (یعنی جنسیت، هویت و جامعه‌پذیری) قرار دارند و در قالب مفاهیم مذکور طبقه‌بندی شده‌اند.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.7.2]

ب. ۳. ۱. جنسیت (زنانگی) و ترس از جرم

مطالعات مختلف نشان می‌دهد که ترس از جرم با مقولهٔ جنسیت (به‌ویژه در زنان) در ارتباط مستقیم است. زنان مورد مطالعه در این تحقیق نیز در تجربهٔ آزارهای جنسی و رفتارهای غیرمدنی مشترک بوده و تماماً حداقل یک‌بار چنین اتفاقاتی را در فضای عمومی جامعه تجربه کرده‌اند. آنان مکرراً گفته‌اند بیش از هر چیز به خاطر جنسیت خاص (زنانگی) ـ و نه دیگر عوامل محتمل و شناخته‌شده در جوامع و فرهنگ‌های دیگر ـ در معرض چنین حوادثی قرار گرفته یا می‌گیرند، در حالی‌که مردان در جامعهٔ ما به این دلیل (جنسیت آن‌ها) آسیب‌پذیر نبوده و نیستند. نمونه‌ای از تجارب خود زنان مصاحبه‌شونده قابل توجه است. در این زمینه هاجر ۳۵ ساله، لیسانس، شاغل، متأهل، چادری و ساکن سردار جنگل می‌گوید: «در جامعهٔ ما زنان همیشه در معرض مزاحمت‌اند. دلیل اولش هم همین است که آن‌ها زن‌اند و به خاطر همین از مردان ضعیف‌تر و آسیب‌پذیرترند».

مهشید ۲۷ ساله، لیسانس، شاغل، مانتویی و ساکن چهارراه ولی‌عصر می‌گوید: «فکر می‌کنم که زنان از خیلی جهات محروم‌اند. چون که فرهنگ ما می‌گوید که شما چون زنید و ضعیف، جنس شما از مردان ضعیف‌تر است و اگر هم مشکلی برای ما به وجود بیاید، اول از همه خود ما در معرض اتهامیم».

فاطمه ٤٧ ساله، تحصیلات ابتدایی، خانه‌دار، چادری و ساکن یافت‌آباد می‌گوید: «کسی به مردان کاری ندارد، همهٔ عالم و آدم توی این مملکت به زنان کار دارند، هر مشکلی باشد باید اول برای زنان اتفاق بیفتد و تازه همهٔ تقصیرها گردن زنان است».

با توجه به پاسخ‌های کلی و نیز بیان جزئیات ماوقع زندگی و نگرش زنان در جریان مصاحبه‌ها، به نظر می‌رسد که محوریت نگاه جنسی و عناصر هویت جنسی زنانه در حرکات ایذایی و رفتارهای اروتیک[۱۲۷] شماری از مردان با زنان مورد مطالعه در فضاهای عمومی به‌وضوح آشکار است و از نظر خود زنان مصاحبه‌شونده این مسئله بسیار آزاردهنده است. به عبارت دیگر، در نگاه خود زنان، جنسیت زنانه و عناصر معنایی مرتبط با آن (ضعف، آسیب‌پذیری، وسوسه‌انگیز بودن، مقصربودن و...) مهم‌ترین عامل خطرزا در آسیب‌پذیری و

[127] Erotic

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.7.2]

آسیب‌دیدگی زنان از ناحیهٔ مردان مزاحم در فضاهای عمومی محسوب شده است و این در حالی است که به عقیدهٔ زنان اساساً مردان (جنس برتر) از این جهت در خطر نبوده و نیستند.

ب. ۳. ۲. آموزش اجتماعی، الگوهای تربیتی و ترس از جرم

از آنجا که هویت برآیند و حاصل شرایط فردی و اجتماعی افراد است و نقطهٔ آغاز آن به جریان جامعه‌پذیری در محیط‌های اولیهٔ رشد افراد برمی‌گردد و در ادامه، به عرصه‌ها و فضاهای وسیع‌تر اجتماعی کشیده می‌شود، جستجوی معنای جنسیت و الگوی ارتباط میان دو جنس در مراحل ماقبل می‌تواند روشن‌گر باشد. از این‌رو در ادامهٔ مصاحبه با زنان، ضروری به نظر رسید که تجارب خاص و دیدگاه‌های پاسخگویان را در مورد تفاوت تربیت، جامعه‌پذیری و نوع آزادی‌ها و محدودیت‌های دختران و پسران در خانوادهٔ منشأ آن‌ها جویا شویم. در این زمینه فاطمه ٤٧ ساله، تحصیلات ابتدایی، خانه‌دار، چادری و ساکن یافت‌آباد می‌گوید: «زنان نباید به اندازهٔ مردان آزاد باشند و هرجایی که بروند باید با اجازهٔ شوهرشان باشد. زن مثل مرد حق انجام دادن هرکاری را ندارد. ما در خانوادهٔ پدری‌ام با برادرانم فرق داشتیم. فرهنگ ما این‌جور است و باید قبولش کنیم. توی دینمان آمده که زن باید شرم و حیا داشته باشد».

آهنگ ۱۸ ساله، پیش‌دانشگاهی و در حال آماده شدن برای کنکور، مانتویی و ساکن خیابان سئول می‌گوید: «برادرم آزادی‌های بیشتری نسبت به من دارد. اگر شب تا صبح بیرون باشد ایرادی نمی‌گیرند. اما من زمان مشخصی برای برگشتن به خانه دارم. هر وقت اعتراضی می‌کنم مادرم می‌گوید که او پسر است و تو دختری و خودت را با او مقایسه نکن. مادرم درست می‌گوید، برادرم پسر است و کسی برایش حرف در نمی‌آورد».

با توجه به موارد بالا، می‌توان ادعا کرد که جامعه‌پذیری جنسیتی نیز عاملی مهم در تولید و بازتولید احساس ناامنی و ترس از محیط بیرون از خانه در میان زنان و دختران جامعهٔ ما است. چرا که فرایندی است که طی آن، مردان و زنان از ابتدای حیات با ارزش‌ها و هنجارها و گفتمان فرهنگی ـ اجتماعی مسلط جامعهٔ خود در زمینهٔ رفتارهای مورد انتظار و مطلوب برای هر جنس آشنا می‌شوند. از این رو، لازم است زنان محدودتر باشند و محتاط‌تر عمل کنند تا آسیب نبینند و نیز آسیب‌زا نباشند. مردان، برعکس زنان، حق استفاده از همهٔ مکان‌ها، زمان‌ها و عرصه‌های اجتماعی گوناگون و انجام اعمال اجتماعی بدون محدودیت را دارند، چون آسیب‌پذیر نیستند و خطری از جانب آنان دیگران را تهدید نمی‌کند. از آنجا که زنان حق و

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.7.2]

مجوز استفاده از عرصهٔ بیرونی را به شکل آزاد و به‌اندازهٔ مردان ندارند، هرگاه بخواهند به‌طور نامحدود به این عرصه وارد شوند، لاجرم و به‌طور طبیعی با این مسائل مواجه خواهند شد، زیرا عرصهٔ مذکور اساساً برای آن‌ها تعریف و تدارک دیده نشده است. در غیاب چنین تعریفی، وقوع هر حادثه و مزاحمتی برای آنان محتمل است، بدون اینکه مانع جدی و محکومیتی معطوف به احراز منزلت و حقوق زنان علیه مزاحمان در کار باشد.

ب. ۳. ۳. جداسازی جنسی، تقویت هویت جنسی، ترس از جرم و سوءرفتارهای اجتماعی

به منظور درک بیشتر ریشه و نحوهٔ تأثیر جنسیت بر ترس زنان از جرم، از افراد پاسخگو خواسته شد تا نظر خود را دربارهٔ جداسازی جنسیتی در مکان‌های عمومی، که هم‌اکنون در بعضی مکان‌ها (اختصاص پارک‌های مخصوص برای خانم‌ها) و وسائل حمل و نقل عمومی (خطوط مترو، اتوبوس و بی‌آرتی) صورت می‌گیرد اعلام کنند و بگویند آیا چنین جداسازی‌هایی در فضای عمومی در امنیت اجتماعی آن‌ها تأثیر داشته/ دارد یا نه.

در این زمینه سولماز ۲۶ ساله، مجرد، دانشجو، مانتویی و ساکن یافت‌آباد می‌گوید: «جداسازی اصلاً جواب نمی‌دهد. مگر بی‌آرتی را جدا نکردند؟ اما باز مردها با نگاهشان آدم را می‌خورند. مشکل اصلی ما توی خیابان‌هاست، توی خیابان را که نمی‌توانند جدا کنند. چاره این است که فرهنگ‌سازی شود و یاد بگیریم که به حقوق دیگران احترام بگذاریم».

مریم ۲۹ ساله، دیپلمه، متأهل، مانتویی و ساکن جنت‌آباد نیز می‌گوید: «جداسازی خوب است چون حجب و حیا اجازهٔ با هم بودن زن و مرد را نمی‌دهد، از طرف دیگر جوّ بد است و همه نگاه‌ها بد است و فرهنگ با هم بودن هنوز جا نیفتاده. مثلاً جداسازی در وسائل حمل و نقل عمومی، باشگاه‌ها و حتی پارک‌ها خوب است. فکر می‌کنم مذهب به این خاطر منع کرده که تداخل زن و مرد در جامعه بازتاب خوبی ندارد».

با توجه به پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان می‌توان گفت که تفکیک جنسیتی از نگاه زنان و دختران معنای خاصی داشته است و نیز می‌تواند در مورد امنیت زنان مزایا و معایبی دربرداشته باشد. برخی از پاسخ‌گویان اظهار داشته‌اند از آنجا که نگرش سالم و فرهنگ مناسبی برای ارتباط اجتماعی میان زن و مرد در جامعه نداریم، در شرایط عدم تفکیک و هنگامی که این ارتباطات و حضور یکجا و هم‌زمان دو جنس صورت می‌گیرد، امنیت زنان بیشتر به خطر می‌افتد. اما برخی دیگر، مشکل جامعه را فراتر از این دانسته و اظهار کرده‌اند با جداسازی فیزیکی و مکانی، تنها به‌طور موقت و سطحی امنیت زنان حفظ می‌شود؛ بدین معنی که در این

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.7.2]

حالت باز هم زنان به دلیل جنسیت زنانه‌شان از مردان جدا می‌شوند و همین امر باعث مـی‌شـود تا عنصر "جنسیت" برجسته و هویت زنان تنها در قالب هویت جنسی آن‌ها گنجانده شود.

بحث و نتیجه‌گیری

ترس از جرم و رفتارهای غیرمدنی در زنان، به‌عنوان بازتاب ذهنی ـ روانی فقدان امنیت عینی و ذهنی در جامعه، از جمله مسائلی است که در کنار سایر آسیب‌ها و مشکلات فردی و اجتماعی، شکل‌گیری عرصهٔ عمومی و تحقق جامعهٔ مدنی را که در اصل به معنای فضای عام ارتباط سالم، انسانی و به دور از سلطه و برپایهٔ معیارهایی چون جنسیت، قومیت، ملیت و غیره تعریف و مطرح می‌شود خدشه‌دار می‌کند و در واقع مانع حضور، ارتباط اجتماعی و عملکرد متعارف زنان به‌عنوان نیمی از اعضای صاحب حقوق در جوامع و زندگی مدنی امروز می‌شود.

بر این اساس، به نظر می‌رسد فضای عمومی جامعهٔ ایران فضایی است که به دلایل مختلف تاریخی، اجتماعی و به‌ویژه جامعه‌پذیری زن و مرد در بستر اجتماعی ـ فرهنگی خاص، عنصری به نام جنسیت و هویت برآمده از آن، در آن برجسته می‌شود. در این زمینه نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که هستهٔ اصلی و منشأ تمام ترس‌های اجتماعی زنان همین نگاه جنسی به زن و سوءرفتارها و آزارهای جنسی (از مزاحمت‌های کلامی و لمسی تا تجاوز جنسی) برآمده از آن است که ریشه در جریان‌های جامعه‌پذیری و یادگیری‌های اجتماعی درازمدت افراد دارد و فراگیری و شیوع آن در شرایط فعلی آسیب، بیماری و مسئلهٔ اجتماعی جدی و قابل توجه جامعهٔ ماست.

بر این اساس، در تفسیر نتایج پژوهش حاضر با وام‌گیری مفهوم "بی‌تفاوتی مدنی" گیدنز در خصوص جوامع مدرن، می‌توان عکس این معنی یا رویداد را در زمینهٔ نگاه و برخورد با زنان در فضای ایران مشاهده کرد و در گریزی نظری و فرایافته ادعا کرد جامعهٔ شهری ما در این خصوص، برعکس آنچه گیدنز در مورد جامعه و فرهنگ مدرن و انسان‌گرا (در غرب یا هر جای دیگر) عنوان می‌کند، به‌جای بی‌تفاوتی یا بی‌توجهی مدنی عمدی و قراردادی به هر فرد، اعم از مرد یا زن، در مقام "دیگری" صرف، که باید به او احترام گذاشت و اطمینان داد که حتی با یک نگاه معنی‌دار و آزاردهنده حریم امنیت وی از هر خطر و تهدیدی از جانب

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.7.2]

دیگران در امان است، در واقع "فراتوجه" است. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد در جوامع سنتی‌تر از جمله جامعهٔ ما که در آن پشت هر چیز و هر چهره‌ای (زن یا مرد) یک معنا و تعریف خاص وجود دارد و برپایهٔ یک مشخصهٔ اصلی و خاص با افراد برخورد می‌شود، برعکس جوامع مدرن و به تعبیری نسبتاً آزاد، برابرگرا و مبتنی بر حقوق انسانی و مدنی همگان، زن برای اغلب مردان هیچ نمود دیگری جز نمود جنسی ندارد و آنچه در مرکز توجه کثیری از مردان واقع می‌شود همین وجه وجودی زن است و مبنا و محور آسیب‌ها و آزارهای ماهیتاً جنسی نسبت به زن در فضاهای عمومی جامعهٔ ما هم همین دیدگاه یا نگاه خاص و بیمارگونه به هویت و موجودیت زن است. این همان مسئلهٔ اصلی است که همهٔ زنان مورد مصاحبه از هر تیپ، طبقه، سن و موقعیتی به شکل‌های مختلف آن را تجربه کرده و به نوعی در طیف سوءرفتارهای آزاردهنده‌ای که در عرصه‌های عمومی درگیر یا شاهد آن بوده یا از زبان دیگر زنان نقل کرده‌اند به آن اشاره نموده‌اند.

بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که در فضای زیست عمومی جامعهٔ ایران، با محوریت جنس و هویت جنسی، به‌جای نوع و هویت انسانی، در واقع در برخورد با زن دو حرکت ناصواب صورت می‌گیرد: ۱. حرکت از کل به جزء؛ که طی آن کلیت وجودی زن به یک جزء یعنی "جنسیت" وی تقلیل پیدا می‌کند و ۲. حرکت از جزء به کل؛ که ضمن آن، جنسیت زن در برگشت مجدد به همه‌چیز وی تبدیل می‌شود و مبنای سوءرفتارهای آزاردهنده و آسیب‌زا با وی قرار می‌گیرد و این حرکت تا انتهای منطقی آن در عرصه‌های مختلف ادامه می‌یابد.

نکتهٔ نهایی اینکه ما قصد تعمیم مسئله و متهم‌سازی همهٔ مردان را نداریم و در واقع هم نمی‌توان گفت که برای هر زن معین این اتفاق افتاده یا می‌افتد؛ با این حال این مسئله به قدری شایع و فراگیر است که کلیت آن از سوی همهٔ زنانی که تجربهٔ چنین رفتارهایی را داشته‌اند یکسان و یک‌صدا حس و بیان می‌شود. بنابراین می‌توان به جرئت و با قوت (برمبنای یافته‌های پژوهش‌های تجربی در این زمینه) ادعا کرد که در چنین فضا و بستری همهٔ زنان می‌توانند بالقوه یک ابژهٔ جنسی برای همهٔ مردان باشند و نگرانی اصلی نیز در همین جا نهفته است؛ به‌ویژه اینکه در جامعهٔ ما کنترل‌های درونی و بیرونی (امنیتی) در فضای زیست عمومی نیز در این زمینه بسیار ضعیف است و بسیاری از این سوءرفتارها و آزارها جرم هم محسوب نمی‌شود.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.7.2]

همین خلأ بر احساس ناامنی زنان از حضور و فعالیت در فضاهای یادشده افزوده و بر پیامدهای آسیبی مسئله تأثیری تشدیدکننده خواهد داشت.

منابع

باستانی و همکاران (۱۳۸٦) پیمایش ملی بررسی وضعیت، نگرش و مسائل و مشکلات جوانان با تأکید بر دختران و زنان جوان، تهران: مرکز مطالعات کودکان، نوجوانان و جوانان دانشگاه الزهراء.

زنجانی‌زاده، هما (۱۳۸۰) «زنان و امنیت شهری»، *مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی مشهد*، شمارهٔ پیاپی ۳٤: ٦۰۳-٦۲٦.

علیخواه، فردین و مریم نجیبی ربیعی (۱۳۸۵) «زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری»، *فصلنامهٔ رفاه اجتماعی*، سال پنجم، شمارهٔ ۲۲: ۱۰۹-۱۳۳.

قادری، حاتم (۱۳۸۷) *سویه‌های هویت*، تهران: شیرازه.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸٦) *جامعه‌شناسی*، ترجمهٔ حسن چاووشیان، تهران: نی.

ـــــ (۱۳۸۵) *تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمهٔ ناصر موفقیان، تهران: نی.

محمدی، مجید (۱۳۷۸) *جامعهٔ مدنی ایرانی (بسترهای نظری و موانع)*، تهران: مرکز.

میرحسینی، زهرا (۱۳۸۷) بررسی جامعه‌شناختی علل و عوامل مؤثر بر ترس از جرم در زنان شهر تهران، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد رشتهٔ پژوهشگری، دانشگاه تهران.

Alvi, S. Schwartz (2001) "Women's Fear of Crime in Canadian Public Housing", *Violence against Women*, 7: 638-61.

Baumer, T. (1979) "Research on Fear of Crime in the United States", *Victimology*, 3 (3 : 254-264.

Burt, M, and R. Estep (1981) "Apprehension and Fear"*, Sex Roles*, 7 (5 : 511-522.

Cops Diederik & Pleysier Stefaan (2001) "Doing Gender in Fear of Crime"*, British Journal of Criminology,* 51: 58-74.

Day, K. (2001) "Constructing Masculinity and Women's Fear in Public Space in Irvine, California"*, Gender, Place and Culture,* 8 :27-109.

Goodey, J. (1994) "Fear of Crime: What Can Children Tell Us?", *International Review of Victimology,* 3: 195–210.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.7.2]

Goodey, J. (1997) "Boys Don't Cry", *British Journal of Criminology*, 37: 18-401.

Marshall, Chris E. (1990) "Crime in the Omaha Area: Protective Measures and Victimization" *Center for Public Affairs Research.*

Siongers, J. (2010) "Borders of Tolerance: On the Attitude of Young People Towards Other Cultures", *findings of Youth Monitor II*: 259–282.

Stanko, Elizabeth A. (1992) "The Cause of Fearful Women: Gender, Personal Safety and Fear of Crime", *Women and Criminal Justice,* 4: 117-135.

Stanley, Lyz Sue Wise (2002) "What Is Wrong Socialization?", in Stevi Jakson and Sue Scott (eds.), *Gender: A Sociological Reader,* London, Routledge: 273-279.

Sutton, R. and S. Farrall (2005) *Untangling the Web: Deceptive Responding in Fear of Crime Research*, PhD thesis University of London.

West, C. and D. Zimmerman (1987) "Doing Gender", *Gender & Society*, 1: 51-125.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.7.2]